

سایمون کریچلی

تراژدی: ما و یونانیان

ترجمه ابراهیم رنجبر

www.ketab.ir



سرشناسه: کریچلی، سایمون، ۱۹۶۰ م. Crichtley, Simon.
 عنوان و نام پدیدآور: تراژدی: ما و یونانیان/سایمون کریچلی؛ [ترجمه] ابراهیم رنجبر.
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات دمان، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص: ۵/۲۱×۱۴؛ م.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹-۶۷۸-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان اصلی: Tragedy, the Greeks, and us, [2019].
 یادداشت: کتابخانه.
 موضوع: تراژیک
 موضوع: Tragic, The.
 موضوع: تراژدی — تأثیر یونان
 موضوع: Tragedy — Greek influences
 موضوع: نمایشنامه یونانی (تراژدی) — تاریخ و نقد
 موضوع: Greek drama (Tragedy) — History and Criticism
 موضوع: Literature — Philosophy
 موضوع: Philosophy, Ancient
 موضوع: فلسفه ادبیات — فلسفه
 موضوع: فلسفه قدیم
 شناسه افزوده: رنجبر، ابراهیم، ۱۳۶۹ — مترجم
 رده بندی کنگره: BH۳۰۱
 رده بندی دیویی: ۸۰۹/۹۱۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۸۱۷۳۶

تراژدی: ما و یونانیان

سایمون کریچلی

ترجمه ابراهیم رنجبر

مترجم: ابراهیم رنجبر

ویراستار: مهرا رشیدی (مصحح)

صفحه آرا: احمد علی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹-۶۷۸-۴

لیتوگرافی: اطلس چاپ، چاپ و صحافی: دمان

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات دمان

برای خرید کتاب‌های انتشارات دمان به سایت زیر مراجعه کنید.

www.ketabweb.com

فهرست

۱۳	مقدمه مترجم
۱۷	بخش اول: مقدمه
۱۹	۱. از خون خود به گذشتگان دادن
۲۷	۲. تراژدی فلسفه و شاید خطرناک
۳۰	۳. دانستن و ندانستن: آن گونه که ادیپوس سرنگ می‌شود و ناکام کرد
۳۵	۴. عصیان، سوگ و جنگ
	۵. گرگیاس: تراژدی فریبی است که موجب داناتر شدن فریب‌خورده از فرد فریب‌نخورده می‌شود
۳۹	
۴۴	۶. عدالت به مثابه جدال (از منظر چندخدایی)
۴۷	۷. تراژدی به مثابه شیوه‌ای برای تجربه دیالکتیکی
۴۹	بخش دوم: تراژدی
۵۱	۸. تراژدی در مقام ابداع یا ابداع تراژدی: دوازده فرضیه
۵۴	۹. نقدی بر یونانیان عجیب و غریب
۶۰	۱۰. بحث از اسطوره و تراژدی در یونان باستان نوشته ورنان و ویدل - نکه

۱۱. ابهام اخلاقی در مخالفان هفت گانه تبای و ملتسمان آیسخولوس ۶۷
۱۲. تراژدی، هجو، خرق عادت ۷۲
۱۳. چندصدایی ۷۶
۱۴. خدایان! تراژدی و محدود ساختن مدعیات مربوط به خودآیینی و خودبستگی ۸۲
۱۵. نقدی بر روان‌شناسی اخلاقی و طرح ادغام نفسانی ۹۲
۱۶. مسئله مربوط به تعمیم‌دهی تراژدی ۹۵
۱۷. هگل خوب، هگل بد ۱۰۰
۱۸. رجعت از فاسفه به تناتر ۱۰۵
- بخش سوم: سوفسطایی‌گری ۱۰۹
۱۹. مخالف‌خوانی عیب سبک خاص از فلسفه ۱۱۱
۲۰. درآمدی بر سوفیست‌ها ۱۱۳
۲۱. گرگیاس ۱۱۸
۲۲. نه - هست ۱۲۲
۲۳. من چیزی برای گفتن ندارم و اکنون در حال گفتن آنم ۱۲۷
۲۴. هلن بی گناه است ۱۳۱
۲۵. تراژدی و سوفسطایی‌گری - نمونه موردی زنان پروایه و ساندیس ۱۳۷
۲۶. عقلانیت و زور ۱۴۳
۲۷. سوفیست افلاطون ۱۴۵
۲۸. فایدروس، موفقیتی فلسفی ۱۴۷
۲۹. گرگیاس، شکستی فلسفی ۱۵۲
- بخش چهارم: افلاطون ۱۵۹
۳۰. پرده‌پوشی ۱۶۱

۳۱. شهری در گفتار ۱۶۵
۳۲. مردن فاجعه نیست ۱۷۱
۳۳. اقتصاد اخلاقی میمه‌سیس ۱۷۷
۳۴. صورت‌های سیاسی و افراطِ ددمنشانه ۱۸۱
۳۵. میمه‌سیس چیست؟ ۱۸۶
۳۶. مسافه به مثابه تنظیم‌گری عواطف ۱۹۳
۳۷. ایمن شدن در برابر عشق فطری به شعر ۱۹۷
۳۸. پادشاهان فضیلت، یا وقتی مردم چه می‌شود ۲۰۴
- بخش پنجم: ارسطو ۲۱۱
۳۹. منظور از کاتارسیس در ایشیا، ارسطو چیست؟ ۲۱۵
۴۰. ویرانگرتر ۲۲۱
۴۱. بازآفرینی ۲۲۴
۴۲. میمه‌سیس اپراکسئوس ۲۲۸
۴۳. زایش تراژدی (و کمدی) ۲۳۱
۴۴. خوشبختی و بدبختی در عمل ریشه دارد ۲۳۴
۴۵. تک یا دوچند؟ ۲۴۰
۴۶. اوبریپیدس سرپاتراژیک ۲۴۴
۴۷. اهریمن بودن - یا ارسطو و ماژیک هایلایت او ۲۴۷
۴۸. ناهنجاری برده‌ها و زنان ۲۵۱
۴۹. پیش‌تکذیب مکانیکی ۲۵۴
۵۰. خدا راهی پیدا خواهد کرد تا چیزی را محقق کند که تصورش را هم نمی‌کنیم ۲۵۹
۵۱. بازشناخت خطا در درام‌های اوبریپیدس ۲۶۲
۵۲. بزک چرکین ۲۶۶
۵۳. تئاتر ناخوشی سوفوکلس ۲۷۰

۵۴. کنش عوامانه و فرودستی حماسی ۲۷۴
۵۵. آیا ارسطو واقعاً بیش از افلاطون به تراژدی روی خوش نشان می‌دهد؟ ۲۷۸
۵۶. بوطیقای دو - [نظریه] ارسطو درباره کمدی ۲۸۵
۵۷. رنجیده درک‌ناپذیر - برضد کاتارسیس همذات‌پندارانه ۲۹۰
۵۸. آریستوفانس را خواب درمی‌رباید ۲۹۵
۵۹. عظمت را به آتن بازگردان ۳۰۱
۳۰۵. بخش ششم: نتیجه‌گیری ۳۰۵
۶۰. تقریر نسل از نسل ۳۰۷
۶۱. زنده بودن ۳۱۴
۳۱۹. تقدیر و تشکر ۳۱۹
۳۲۳. یادداشت‌ها ۳۲۳
۳۳۹. منابع ۳۳۹

مقدمه مترجم

Σκηνὴ πᾶς ὁ βίος καὶ παίγνιον
ἢ μάθε παίζειν, τὴν σπουδὴν μεταθείς,
ἢ φέρε τὰς ὁδύνας.

زندگی یکسره نمایش و بازی است؛
[پس] یا بازی بیاموز و دفع رنج کن،
و یا بار مشقت را به جان بخر.
پالادس

کندوکاو در جهان باستان همیشه موضوعی جذاب بوده است البته این کار
سهل و ممتنع است، شیرینی و حلاوت آن دمی بیش طول نمی کشد، و هر چه این
کار ادامه پیدا کند، سختی بیشتری بر آدمی هموار می شود. از طرفی، باستانی ها،
چون باستانی اند و به لحاظ زمانی از ما دورند، و چون دیگر این امکان نیست که با
آن ها به هم سخنی رود و رو برو بردازیم، همواره از چنگ عقل ما گریخته اند و فقط
خاطره ای گنگ در ذهن ما از خود به جای گذاشته اند. این مسائل درکنار کمبود و
ابهام منابع باعث شده هاله ای از انگاشت های غلط، خرافات و حتی جزئیاتی حول
و حوش این موضوع به وجود آید. کتاب حاضر در واقع تلاشی است تا اول از
همه به ما یاد بدهد می توان به نحو دیگری به جهان باستان، به یکی از مهم ترین

موضوعات آن، یعنی تراژدی، پرداخت. گویی می‌شود با باستانی‌ها همنشین شد، دل به دل آن‌ها داد و از بصیرت‌هایشان برای زندگی و وضع کنونی خود استفاده کرد. کریچلی در حوزه کلاسیک متخصص نیست. او، به گفته خودش، چیز زیادی از یونانی و لاتین نمی‌داند، با این حال سعی کرده در مقام فیلسوف به سراغ حوزه تراژدی برود و از این دریا دُری برای ما سفته و به ارمغان آورد. از طرفی، چون کریچلی فلسفه را حاصل سرخوردگی می‌داند، از نگاه او تراژدی دستمایه خوبی بود، تا بتواند از طریق آن فکر خود را نیز معرفی کند.

مترجم هر جا ارجاعی به متنی یونانی شده، در صورت نیاز، به سراغ متن رفته، آن را شخصاً از ایرامتی معتبر در زبان یونانی به فارسی برگردانده؛ اگر جایی نیاز بوده، پانوسی به متن اضافه کرده تا به عمق یا فهم بهتر متن کمکی کند. به همین سبب، هر چنانچه در هفت از آن مترجم است، و پی‌نوشت‌ها کار نویسند. از آنجا که این متن بهمان درسیک‌نارهایی خواننده را با خود همراه می‌کند، و به خاطر پانویس‌های گاه و بی‌گاه مترجم، دیگر سخن را به اطاله نمی‌کشانم.

ذکر چند نکته لازم است. چون این متن قرار است آشنازدایی و نوعی عادت‌زدایی کند و کاری کند زنگر ساده از تن فروبریزد و بتوانیم جور دیگری به یونانی‌ها به ویژه از دریچه تراژدی نگاه کنیم، سعی کردیم همه اسامی یونانی را به همان تلفظ یونانی ثبت کنیم. با این حال، اسامی سقراط، افلاطون و ارسطو از حیث تداول و شهرت به همان صورت ماندند، ولی در همان اسامی آن‌ها در قلاب ذکر شد تا اگر خواننده خواست در این حوزه نیز با عادت‌های سنتی و پنجه نرم کند، بستری مهیا شده باشد. هیچ واژه‌ای با حروف لاتینی یا یونانی در متن نمانده. اگر واژه‌ای یونانی در متن نقشی معنابخش داشته، آن را آوانویسی کرده و املا یونانی و ترجمه فارسی آن را در پانویس آورده‌ام؛ در غیر این صورت، ترجمه فارسی را در متن آورده و اصل یونانی را در پانویس ذکر کرده‌ام. پانویس‌ها بیشتر در راستای کندوکاو بیشتر در آرای نویسند یا موضوع مطرح در هر بخش است و طبیعتاً گاهی هم مخالفت‌های مترجم با نویسند در همان جا ذکر شده است، مثلاً بخش‌هایی که به نظر نویسند می‌توانسته متن یونانی را درست‌تر بخواند. و در نهایت، کتاب، از

آنجا که خیلی فشرده است و با این حال مطالب بسیاری در آن گرد آمده، در واقع نوعی تاریخ دریافت تراژدی نیز به شمار می‌رود؛ پس بهتر است با تأمل بیشتر خوانده شود و در استدلال‌های نویسنده تأمل بیشتری شود، یا منابع و پانویس‌ها با دقت بیشتری خوانده شوند. اگر این اتفاق بیفتد، قطعاً یک دوره کامل درسی درباره تراژدی، از پیش نظر خواننده گذشته است.

راخو نیز از قاسم مومنی و احسان کریمخانی در نشر دمان برای دوستی‌ها و حوصله به خرج دادن‌هایشان تشکر می‌کنم. از صحرا رشیدی بابت ویرایش دقیق این کار سپاس خوارم ایستوارم این اثر خواننده فرهیخته را خوش آید؛ باری گفته‌اند
کلُّ صیدٍ فی حبسِ الفاء

ابراهیم رنجبر

شیراز، بهار ۱۳۹۹